

با توفیق بجز آنکه است در نصیب داده شده تو که فراموش ازین برود است
در منت فاضله هر چه است که داده شده که او را از تو بدست یافت هر چه
است که دلای تو تو را قطع برینا نصیب است یا برینا اطاعت کنی تو را
بر در دکان تو بر او تو را بر مطیع در بر طاعتش که در اصل همانست
حسن بیعیجان و در ادای لازم او است که در این تو است بطاعتش الله
و با نجف است به او از الاحسان الله الاحسان و شکر که با هم خداست بوی بهیجا
تو را بر چیز بیست بر عمل قلب و عصیان کنی مشهور تو را بر هر دکان را به توفیق
سکنی هر که از پیجویی در آید است هر کس می آید در دکان را در توفیق کنی از پیوی
در زایل سکنی هر که در توفیق کنی پیوی و توفیق سکنی هر که در توفیق کنی از پیوی
کسی که در او قبول سقی مای تو بر بار از حال فضل و کرمی زان و کفایت سکنی
مخفی به نعمت از پی تو بهیجا صدور فی رسد و صفت کس که سحر از
سبح بهیجا در وصف بهیجا و وصف سبح اللهم لا اس که من توفیق و کفایت
فانتر لا یملکن الا انت ط اللهم اعرفی ما احضرت ما توفیق ما استرشد
ما اعلنت و ما جعلت و ما علمت ارط اللهم اغفر لی ذنوبی اذ ظلمت و بیهوشی
و ضنائی و عذ ما کل ذلک عندنا اطالعی در پی تو که در آن تو است از این سو
رض که رسول خدا بر بار رضا را تحقیق هر سوال کنی از تو برکت تو در آن
و هر بار از تو بر یک تحقیق است از اینست که با کمال رحمت و کلاما که کمال فضل
بهیجا صدور کنی از این باب گفت است با نکر که در فضل بر این است که شخص
رحمت نیک بر از تو است که در هر چه صفت است که در کمال من صدق است
مانند قول حق تو ای و در مستغنی بالذکر الصلوة و انما لکبره الاعالی نوبین و کمال

اعظفت

که عطف رحمت توفیقی باشد لهذا بر جرح محنت نقطه تو را اللهم اغفر لی و عطف
ایام الحمد و زیار و مع کبریا از در است از عمران بن حصین رض که رسول خدا است
هر چه از تو که هر چه است من ازین تو قوم است مطیع است فی الزلیع ذل و است
بر از سغفرت تو را اللهم اغفر لی فی در سند ایام الحمد و مع کبریا از در است از
عبد الله ابن عمر و بن عاص رض که رسول خدا بر بار رضا را با خبر فایران که
ما که حق است نظم و تعداد را بر یک حق العباد است و سوره نار الی کنی از که
الطریق و عسجدی بار کاستند و در ستغی نار الی کنی هر که تحقیق کرده ام و کنی
که لطایف و طریقی تصدیق کرده ام و حال آنکه سبای مذکور است در انصاف توفیق
موجود است نزد ما ممکن است نزد ما سبح اللهم اغفر خطای و عذر و هر چه
و لا تخرجنی بر که ما اعطینک و لا تقنننک و لا تضلن فیما اخر منک طس بقی در مع
او سطر از در و است از این توفیق که رسول خدا بر بار رضا را ازین دعا تو را
از جعلی چرا ما دعوی از اینست که من ازین و با بر بار ازین برکت هر که عطف و مطیع
و اقول و لا تقنننک بیدانه بر انون سب از سند از او دانسته مطیع و مطیع در الی
صلوات بر بار رض که کرد است تو را از ان هر محروم معن اللهم اغفر خطای
من صلی خلق اصح در سنه است حسنت از حسن فاضل در در و است ابوالفضل
فقیه بقی در سند ایام الحمد و البیضا موصی در است از حضرت ام سلمه که رسول
خدا بر بار رضا را کرد در آینده صورت ظاهر و انیک من بر ان بر سر است که صورت
ظاهر است تک من رسیده دارم و اهو را السبیل لا قوم اصح بقی در سند
ایام الحمد و البیضا موصی در است از این سو که رسول خدا بر بار رضا را کرد
هر سغفرت کنی چرا بیست توفیق است از من کنی برین توفیق طاعت تو

۲۴

Copyrighted by King Fahd University